

زنجیره

نویسنده: آدرین مک کینتی

مترجم: رها چفلکی



نشر نفیر

۱۳۹۹



سرشناسه	:	مک کینتی، آدرین، ۱۹۶۶-م. McKin, Adrian
عنوان و نام پدیدآور	:	زنجیره / نویسنده آدرین مک کینتی؛ مترجم زهرا چفلکی؛ ویراستار سمانه رزاقی تهران: نفیر، ۱۳۹۹.
مشخصات نشر	:	۳۶۸ ص.؛ ۵/۵×۲۱/۵ س.
مشخصات ظاهری	:	۹۷۸-۶۲۲-۶۳۴۴-۰۱-۲
شابک	:	فیبا
وضعیت فهرست نویسی:	:	عنوان اصلی: The chain, ۲۰۱۹.
یادداشت	:	داستان های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.
موضوع	:	American fiction -- 20th century
موضوع	:	چفلکی، زهرا، ۱۳۷۶-، مترجم
شناسه افزوده	:	PS۳۵۶۹
رده بندی کنگره	:	۸۱۳/۵۴
رده بندی دیویی	:	۶۲۲۳۲۴۹
شماره کتابشناسی ملی:	:	



نشر نفیر

زنجیره

نویسنده: آدرین مک‌کینتی

مترجم: زهرا چفلکی

ویراستار: سمانه رزاقی

صفه: ۱۱۰ | آرا: آماده از: گروه نشر نفیر

نشر: نفیر

طراح: سند: هاله قربانی تهرانی

سال: چاپ: ۱۳۹۰

نوبت چاپ: ۱

تیراژ: ۱۰۰۰

بها: ۷۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۶۲۲-۰۱-۲

تمامی حقوق چاپ و پخش این اثر متعلق به انتشارات نفیر است.

آدرس: تهران، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پست سیمین، پلاک ۸، واحد ۸.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۲۸۷۶۷



@nafirpublications

www.nafirpub.ir

پیشگفتار نویسنده

سال ۲۰۱۱ بعد از اینکه فهمیدم تبه کاران مکزیکی چطور عضوی از خانواده‌ی بدهکاران را می‌دزدند و آن‌ها را مجبور می‌کنند بدهی‌شان را بپردازند، ایده‌ی اولیه‌ی زنجیره را نوشتم. این ایده را با... یعنی که سال ۱۹۷۰، اتفاق افتاد، پیوند زدم. در آن سال‌ها نامه‌هایی زنجیره وار به دست ما می‌رسید.

در آن بخش از ایرلند که من به... نیا آمدم، مردم خیلی خرافاتی بودند و ما کاملاً به قدرت این نامه‌ها ایمان داشتیم. تمام کلاس پنج دبستانم به ما گفت هر کدام از این نامه‌ها را که اذیتمان می‌کنند به کلاس بیاوریم و من هم نامه‌ای را بردم که نگرانم می‌کرد. معلم تمام نامه‌ها را همراه با حرف‌های... ریسده‌ی آن، که گفته بود در صورت نابودی نامه، بدیختی و بدشانسی و فاجعه گریزناپذیر خواهد گرفت، از بین برد. در حقیقت زنجیره را نابود کرد.

این کار زنجیره روی من به عنوان یک کودک چنان تأثیری گذاشت که تا همین حالا همراهم است. تا چندین سال از مادرم می‌پرسیدم خانم کولال، همان معلم جسور ما، چطور زندگی می‌کند و مادرم می‌گفت حال او خوب است حیالمن با احتیاط می‌شد.

سال ۲۰۱۲ زنجیره را به عنوان داستانی کوتاه نوشتم اما به فکرم رسید این ایده می‌تواند رمان بلند باشد برای همین پنج سال نیمه‌کاره، رهایش کردم.

سال ۲۰۱۷، شین، یکی از دوستانم از من پرسید ایده‌ی جدیدی برای نوشتن کتاب دارم یا نه؟ برای او خلاصه‌ای از زنجیره را تعریف کردم. پشت گوش‌ی شنیدم که چیزی در آشپزخانه‌اش شکست. او سریع پیش من آمد و خواست که همکاری به جز نوشتن این رمان دارم. متوقف کنم و سریع تر آن را بنویسم.

بالاخره زنجیره متولد شد و به این قسمت رسید. از تمام کسانی که به من در نوشتن این کتاب کمک کردند، ممنونم.